

اصطلاحات خوشنویسی

دیوان حافظ



آزاد محمودی - فارغ‌التحصیل خوشنویسان ایران و دانشجوی کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات فارسی

شکسته‌نستعلیق را در قرن‌های بعد ایجاد کرده‌اند. در چنین روزگاری خواجه‌ی شیراز اشعار گهربار خود را می‌سراید. و اینک نمونه‌هایی از ابیات مذکور:

الف - بیت:

دانست که خواهد شدنم مرغ دل از دست

وز آن خط چون سلسله دامی نفرستاد^۱
یادآور خط مسلسل از مشتقات خط ثلث است که به دلیل پیوند زنجیری و اتصالات حلقه‌مانندی که بین حروف و کلمات آن وجود دارد گاهی به گیسوی حلقه‌حلقه‌ی معشوق و گاهی هم به موی تازه روییده بر رخسار یار تشبیه می‌شود. خواندن خط مسلسل به دلیل بافت و طراحی خاص آن مشکل است، چنان‌که مولانا نیز در دیوان شمس می‌فرماید:

دل را ز من بیوشی یعنی که من ندانم

خط را کنی مسلسل یعنی که من نخوانم
قابل ذکر است هم‌چنان‌که بیش‌تر شارحان نوشته‌اند مخاطب حافظ در غزل مورد اشاره شاه شجاع است که خود خطی خوش به شیوه‌ی یاقوت می‌نوشته است.^۲

بر گل روی تو آن خال معنبر که نشاند

بر مه عارضت آن خط مسلسل که نوشت
خواجوی کرمانی

خطی مسلسل شیرین که گر بیارم گفت

به خط صاحب دیوان ایلخان ماند
سعدی
(یادآور این مطلب که از خط مسلسل در مکاتبات و مراسلات دولتی استفاده می‌شده است.)

توقیع سماکها مسلسل

که رامح بوده گاه اعزل

نظامی - لیلی و مجنون
بدان جام از آن‌جا که پیوند بود
مسلسل کشیده خطی چند بود
نظامی - شرف‌نامه
(بیت فوق اشاره به زمانی است که اسکندر از بلیناس دانا می‌خواهد راز جام جهان‌بین را بازجوید.)

شکی نیست خواجه شمس‌الدین محمد حافظ با دانش‌ها و هنرهای گوناگون روزگار خویش آشنا بوده است. دیوان این شاعر بزرگ دربرگیرنده‌ی بسیاری از اصطلاحات کلامی عرفانی و هنری است که به‌وسیله‌ی شارحان توانمند تجزیه و تحلیل شده است. اما از جمله زمینه‌هایی که نه‌تنها در شعر حافظ بلکه در شعر شاعران دیگر نیز ارزیابی دقیق نشده، اصطلاحات مربوط به هنر خوشنویسی است. به همین جهت در این مقاله ضمن اشاره‌ی بسیار کوتاه به وضعیت خوشنویسی در عصر حافظ به شرح بعضی از اصطلاحات این هنر در دیوان حافظ خواهیم پرداخت.

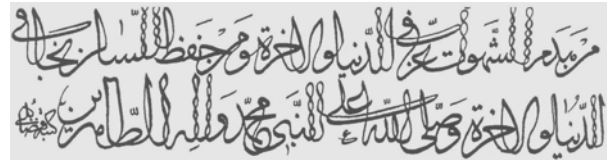
در یک نگاه کلی، قرن هشتم دوره‌ی بی‌ست که بر اثر تلاش چند صد ساله‌ی خوشنویسان بزرگ گذشته چون ابن‌مقله ابن‌بواب و یاقوت مستعصمی اقلام شش‌گانه‌ی محقق، ریحان، ثلث، نسخ، توقیع و رقاع به نقطه‌ی اوج و حد کمال خود رسیده بود. در حقیقت روزگاری که حافظ در آن می‌زیسته یکی از پرفروغ‌ترین دوره‌های رواج خوشنویسی است و در آن خوشنویسان بزرگ و بلندآوازه‌ی چون خواجه عبدالله صیرفی [شاگرد یاقوت مستعصمی] و صاحب رساله‌ی گلزارصفا معاصر حافظ بوده‌اند.

پادشاهان و حکمرانان معاصر حافظ نیز در کشورهای مختلف اسلامی مانند ایران، عراق، ترکیه و هند، همگی به خوشنویسی اهمیت می‌داده‌اند و گاه خود و فرزندان‌شان نیز جهت فراگیری این هنر نزد استادان خوشنویس تلمذ می‌کردند و تعدادی از آنان مانند ابراهیم میرزا از خوشنویسان بنام و مشهور زمان خود نیز شدند. البته حمایت پادشاهان و بزرگان مظفری جلایری، تیموری، عثمانی و... از خوشنویسان این دوره خود یکی از بزرگ‌ترین دلایل رونق خوشنویسی در این روزگار بود. حتا گاهی این حمایت و توجه به‌گونه‌ی بود که پادشاهان شخصاً چراغ یا دوات به‌دست می‌گرفتند تا خوشنویسان قطعه‌ی را خوشنویسی کنند.

به هر حال در این سده به دلایل مختلف خوشنویسی پیشرفت شایانی کرده است و خطاطان آثار گران‌بهای از خطوط شش‌گانه بر جای گذاشته‌اند و به‌تدریج زمینه‌ی پیدایش خطوط تعلیق، نستعلیق و

حروف نقش چین را نسخه کرده

مسلسل گشتن زلف چو دالت
اوحدی مراغه‌ای



نمونه‌ی خط مسلسل (خط استاد حبیب‌الله فضائلی)^۳

(متن نوشته شده: من هدم الشهوات عز في الدنيا والآخرة و من حفظ اللسان نجا في الدنيا و صلى الله على النبي محمد و آله الطاهرين)

ب - در ابیات:

گر دست دهد خاک کف پای نگارم

بر لوح بصر خط غباری بنگارم

غبار خط بپوشانید خورشید رخس یارب

بقای جاودانش ده که حسن جاودان دارد

اشاره‌ی حافظ به خط غبار است که ریزترین نوع خط و در شعر

گاهی تعبیری از موی تازه روییده بر عارض نوجوانان است. وجه

تسمیه‌ی آن یا به مناسبت ریزی بسیار و مشابهت آن به ذرات ریز

گرد و غبار است و یا سخت خوانده شدن این خط همان گونه که

هنگام برانگیخته شدن گرد و غبار قدرت دید انسان نیز ضعیف

می شود و چشم به زحمت اجسام را می بیند.

البته در روزگار حافظ تنها به خط ثلثی که در غایت نازکی و

ریزی نوشته می شد غبار می گفته اند، اما امروزه به هر نوع خط بسیار

ریز غبار می گویند. استاد غلام حسین امیرخانی اندازه‌ی تقریبی قلم

غبار را از کوچک ترین اندازه تا نیم میلی متر مشخص نموده اند.^۴

از خط غبار ابتدا در امور سری و نوشتن نامه‌هایی که بر بال

کبوتران می بستند استفاده می شده است. قلقشندی معاصر حافظ در

کتاب صبح الاعشی که در اواخر قرن هشتم نگاشته شده است، در

مورد این خط می گوید: «خط غبار را قلم جناح نیز نامند و نامه‌هایی

را که با کبوتر فرستاده می شد بدین خط می نوشتند.»^۵ اما بعدها از

این خط در آفرینش آثار زیبای هنری و تزیین آثاری که با حروف

درشت نوشته می شد، استفاده کرده اند. گاهی نیز از خط غبار برای

نوشتن سوره‌های کوچک قرآن بر روی دانه‌های برنج یا گندم

استفاده شده است.

ز خط سبز تو نسخم خوش آمدی و کنون

خط غبار تو از آن نکوتر آمده است

خواجوی کرمانی

به مشک سوده‌ی محلول در عرق ماند

که بر حریر نویسد کسی به خط غبار

سعدی

خاک ما نامه‌ها به جانب یار می نویسد ولی به خط غبار

بیدل دهلوی



نمونه‌ی خط غبار (خط درویش عبدالمجید)^۶

ج - در بیت:

کسی که حسن و خط دوست در نظر دارد

محقق است که او حاصل بصر دارد

در این بیت به صورت ایهام تناسب یادآور خط محقق است

که آن را ابن مقله از خط کوفی استخراج کرده است.^۷ در این خط

حروف و کلمات در بافتی محکم بدون تداخل در یکدیگر و با

اندامی درشت نوشته می شود و دنباله‌های کشیده‌ی حروف به

شمره‌های^۸ تند و تیز ختم می گردد. خط محقق به جهت نوشته شدن

حروف به صورت کامل و صحیح بیش تر مورد استفاده‌ی وراقان قرار

می گرفته است.

بت پرستان را محقق شد که این خط غبار

از پی نسخ بتان سومنات آورده‌ای

خواجوی کرمانی

(در این بیت میان محقق غبار و نسخ که همه از انواع خط هستند تناسب برقرار است.)

خطی که مردم چشم نوشته است چو آب

محقق است که او **ابن مقله**ی ثانی است

خواجوی کرمانی

(واژه‌ی محقق دارای ایهام است، ضمن آن که بین محقق و ابن

مقله هم تناسب وجود دارد.)

د - در بیت:

همیشه تا به بهاران هوا به صفحه‌ی باغ

هزار نقش نگار ز خط ریحانی

حافظ

در این بیت اشاره به **خط ریحان** از مشتقات **خط محقق** است.

این خط نیز مانند دیگر خطها گاهی در شعر به مفهوم موی تازه‌دمیده بر رخسار نوجوانان است. وضع آن را هم به ابن مقله و هم به ابن‌بواب نسبت داده‌اند. قواعد **خط ریحان** مانند قواعد **خط محقق** است، با این تفاوت که میزان دور حروف در ریحان بیش تر و شکل حروف و اندازه کلمات خردتر و با ظرافت بیش تر است. خط ریحان بیش تر از دیگر خطوط مورد توجه شاعران بوده است و معمولاً برای نوشتن قرآن و ادعیه از آن استفاده می‌کرده‌اند.

وجه تسمیه‌ی آن - مشابهت نازکی این خط با لطافت و نازکی گل و برگ‌های ریحان است. چون حروف و کلمات در خط ریحان آشکار و خواناست آن را **خط جای** نیز نامیده‌اند. هم‌چنین اگر در این خط در عرض حروفش اقسام گل‌ها نگارند آن را **خط گلزار** نیز می‌گویند.^{۱۰} حافظ در بیتی دیگر می‌فرماید:

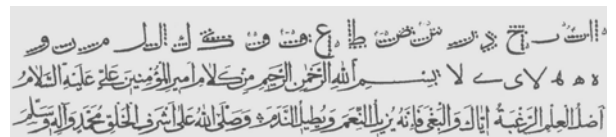
زین خوش رقم که بر گل رخسار می‌کشی

خط بر صحیفه‌ی گل و گلزار می‌کشی

و یا خواجوی کرمانی می‌فرماید:

هندویی را باغبان سوی گلستان می‌فرستد

یا به یاقوت تو سنبل خط ریحان می‌فرستد



نمونه‌ی خط ریحانی: ۱۱

ه - در بیت‌های ذیل از حافظ:

یا مبسما یحاکمی درجا من اللالی

یارب چه در خور آمد گردش خط هلالی

بر آن نقاش قدرت آفرین باد

که گرد مه کشد خط هلالی

ترکیب **خط هلالی** را شاعران دیگر به کار نبرده‌اند. استاد بزرگوار

آقای **خطیب رهبر** این ترکیب را در کتاب حافظ خویش به معنی

خط منحنی سبزه‌ی عذار شرح داده‌اند، اما شاید بتوان خط هلالی را خط منسوب به خوشنویس بزرگ ابوالحسن علاءالدین علی بن هلال مشهور به ابن‌بواب (متوفی ۴۲۳) نیز در نظر گرفت که البته در شعر تعبیری از سبزه‌ی عذار می‌باشد.

قابل ذکر است که ابن‌بواب در میان شاعران به **ابن هلال** نیز مشهور است، چنان‌که **ابوالعلاء معری** شاعر مشهور عرب در یکی از ابیات خود درخشیدن هلال ماه را به حرف نون کتابت ابن هلال (ابن بواب) که با آب زر نوشته شده باشد، تشبیه کرده است:

و لاح هلال مثل نون اجادها

بماء التصار الکاتب ابن هلال^{۱۲}

و - در این بیت از حافظ:

بیاض روی تو را نیست نقش در خور از آنک

سوادی از خط مشکین بر ارغوان داری

سواد و بیاض از قواعد خوشنویسی است و منظور از آن رعایت و سنجش سیاهی خط با مقدار سفیدی آن است و در این بیت با نقش و **خط مشکین** تناسب دارد.

ز - در این بیت از حافظ:

کلک تو خوش نویسد در **شان** یار و اغیار

تعویذ جانفزی افسون عمرگاهی

شان یکی از قواعد دوازده‌گانه‌ی خوشنویسی است که در بیت

با **کلک** و خوش‌نوشتن **ایهام** تناسب دارد. قواعد دوازده‌گانه خوشنویسی از این قرار است:

۱- ترکیب؛ ۲- کرسی؛ ۳- نسبت؛ ۴- ضعف؛ ۵- قوت؛ ۶- سطح؛

۷- دور؛ ۸- صعود؛ ۹- نزول؛ ۱۰- اصول؛ ۱۱- صفا؛ ۱۲- شان.^{۱۳}

شان آخرین کیفیتی است که چون در خطی به‌وجود آید نویسند را آن چنان مسحور تماشای خط خویش کند که دیگر نخواهد جز آن به صنعت دیگری بپردازد.^{۱۴}

ح - این ابیات از حافظ:

مطبوع‌تر ز نقش تو صورت نیست باز

طغرانویس ابروی مشکین مثال تو

امید هست که منشور عشقبازی من

از آن کمانچه‌ی ابرو رسد به طغرای

هلالی شد تنم زین غم که با طغرای ابرویش

که باشد مه که بنماید ز طاق آسمان ابرو

اشاره به **خط طغرا** می‌کند که در گذشته از آن برای نوشتن

لقاب پادشاهان در بالای احکام استفاده می‌کرده‌اند و کسی که طغرا

را می‌نوشته طغرانویس، طغراکش و یا طغرای می‌خوانده‌اند. این خط

را معمولاً با آب طلا می‌نگاشته‌اند، چنان‌که مولانا نیز به زرین بودن

آن اشاره دارد:

زرین شده طغرای او ز انا فتحناهای او

سرکرده صورت‌های او از بحر جان آبگون

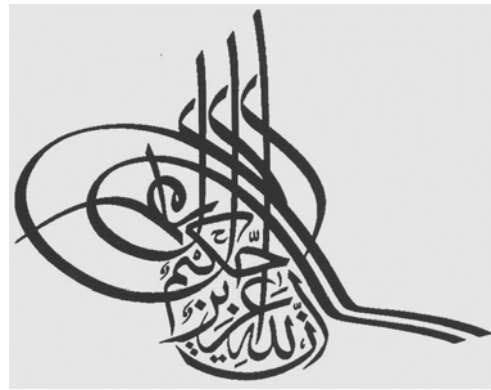
در **خط طغرا** کلمات درشت در هم پیچیده و تودرتو نوشته می‌شود و انتهای بعضی از حروف با قوس و انحنايي خاص به صورت هماهنگ و منظم در یک یا چند جهت کشیده می‌شود. چنین شکلی موجب می‌شود خط طغرا طرحی امضاگونه به خود بگیرد. به همین جهت در حال حاضر از این خط به عنوان امضای اشخاص یا نشان و آرم سازمان‌های مختلف نیز استفاده می‌شود و البته گاهی هم صرفاً از جهت زیبایی به این شکل نوشته می‌شود. واژه‌ی طغرا بسامد بالایی در شعر دوره‌های گذشته به خصوص در شعر خاقانی دارد و شاعران معمولاً خط طغرا را به ابروی یار تشبیه کرده‌اند و این به جهت وجود تشابه میان قوس و کمان حروف طغرا و ابروی زیبارویان بوده است.

گر به دیوان قیامت بردنت باید حساب

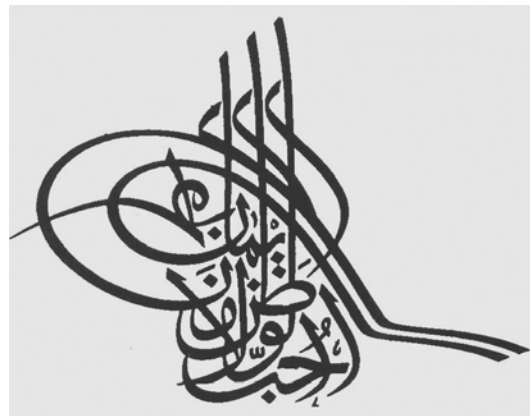
بر سر طومارها طغرای دیوانی چه سود
اوحدی مراغهای

طول منشور بقای ابدی را چه کنم

خم ابروی تو آش گر نکند طغرای
وحشی باقعی



نمونه‌ی خط طغرا (عزیزالدین وکیلی خطاط هفت قلمی افغانستان)^{۱۵}



خط عزیزالدین وکیلی خطاط هفت قلمی افغانستان)^{۱۶}

ط - در این بیت از حافظ:

چو من ماهی کلک آرم به تحریر

تو از نون و القلم می‌پرس تفسیر
اضافه‌ی تشبیهی **ماهی کلک** یکی از اصطلاحات خوشنویسی در مورد تراشیدن قلم است.

خوشنویس و محقق معاصر استاد فضائلی با رسم شکلی به نقل از کتاب **فوائد الخطوط** تألیف محمد بن دوست محمد بخاری می‌نویسد:^{۱۷}

«قلم را باید مشابه حوت (ماهی) تراشید تا **دَنْبُ الْحَوْتِ** (دم ماهی) ظاهر شود و تمامی تراش قلم مشابه به حوت باید.»

ی - در بیت «چو من ماهی کلک آرم به تحریر» و هم‌چنین در

ابیات دیگری از حافظ:

افسوس که شد دلبر و در دیده‌ی گریان

تحریر خیال خط او نقش بر آب است
آن چه در مدت هجر تو کشیدم هیهات

در یکی نامه مجال است که تحریر کنم
تلویحاً اشاره به **خط تحریر** می‌کند و آن خطی است که به‌طور سریع و برای نامه‌نگاری و انجام امور عادی زندگی نوشته می‌شود که باید خوانا، زیبا و تقریباً ریز باشد. در شعر بیش‌تر شاعران، خط تحریر و نامه در کنار هم آمده است از جمله:

از پس تحریر نامه کرده‌ام مبدأ به شعر

معجز آوردن به مبدأ برنتابد بیش از این
خاقانی

شناسای معانی موبد پیر

چنین کرد این خبر در نامه تحریر
امیر خسرو دهلوی

خط تحریر را نباید خطی جداگانه و علی‌حده در نظر گرفت، چرا که هر کدام از انواع خطوط را می‌توان به‌صورت تحریر نوشت، اما معمولاً در هر دوره‌ی از خطی که در آن دوره رواج بیش‌تری داشته و بتوان آن را سریع نوشت، برای تحریر استفاده می‌شده، همان‌گونه که امروزه نستعلیق و شکسته‌نستعلیق در این زمینه کاربرد بیش‌تری دارد.

در قدیم چون خط تحریر را با وسایل نوک‌پهن می‌نوشتند، تغییرات ضخامت نیز در آن‌ها دیده می‌شود، در حالی که امروزه در اثر استفاده از وسایل نوک‌تیز مانند خودکار، خودنویس، روان‌نویس و... خطوط تحریر نوشته‌شده فاقد تغییرات ضخامتی است.

هم‌چنین در گذشته خوشنویسان اصطلاح **صورت تحریر** پیدا کردن را برای خطی که زیبایی و خوانایی اولیه را می‌یافته به کار برده‌اند، چنان‌که خوشنویس بزرگ **میرعلی هروی** در مورد رنجی که برای تعلیم یکی از شاگردانش متحمل شده چنین می‌گوید:^{۱۸}

بهر تعلیم او دلم خون شد

تا خطش یافت صورت تحریر

ک - در این ابیات از حافظ:

گر چنین چهره گشاید **خط زنگاری** دوست

من رخ زرد به خونابه منقش دارم

لطیفه‌ای ست نهانی که عشق از او خیزد

که نام آن نه لب لعل و خط زنگاری ست

زنگار مانند شنگرف از جمله مواد رنگی ست که خوشنویسان

گذشته برای کتابت یا رنگ کردن کاغذ از آن استفاده می کرده‌اند. در

پیش‌تر رساله‌های خوشنویسی مانند **مدادالخطوط** اثر میرعلی

هروی، **گلزار صفا** اثر خواجه عبدالله صیرفی، **قانون الصور** اثر

صادقی بیگ و... طریقه‌ی ساختن زنگار (ژنگار) آمده است. به‌عنوان

نمونه ساختن زنگار در **مدادالخطوط** این‌گونه بیان شده است:^{۱۹}

«یک رطل نوشادور و نیم رطل خرده‌ی مس در کاسه‌ی کرده و

سرکه‌ی انگور بسیار تند در او ریخته با چوبی که سر آن چون پای

شتر باشد صلابه کند تا وقتی که زنگار گردد. نوع دیگر خرده‌ی مس

و سرکه‌ی انگور کهنه‌ی تند برابر یک‌دیگر به هم آمیخته، در چاه

آب آویزند تا چهل روز بر او بگذرد، پس چون بیرون آورند زنگار باشد

در نهایت خوبی و اگر به عوض سرکه آب ماست گوسفند کنند شاید.

و چون خواهند که آن را حل کنند و با آن کتابت کنند، در کاسه‌ی

چینی با صمغ و انزروت حل کرده به کار برند.»

خط زنگاری در شعر فارسی بیش‌تر در مفهوم موی تازه‌روییده

بر رخسار خوب‌رویان به کار می‌رود.

مثال‌هایی از شاعران دیگر:

در **سواد** شام تاری مشک تاتاری که یافت

بر **بیاض** صبح صادق **خط زنگاری** که دید

به گرد آیه‌ی توحید گل صحیفه‌ی باغ

ز سبزه چون خط زنگار شاهدان تذهیب

شهریار

ل - در ابیات زیر از حافظ:

گر دیگری به شیوه‌ی حافظ زدی رقم

مقبول طبع شاه هنرپرور آمدی

زین خوش رقم که بر گل رخسار می‌کشی

خط بر صحیفه‌ی گل و گلزار می‌کشی

رقم‌زدن یا **رقم‌کردن** از اصطلاحات رایج میان خوشنویسان

گذشته و در حقیقت بالاترین مرتبه‌ی بوده که هنرجوی خط وقتی

پس از سال‌ها تمرین و کسب مهارت به دریافت آن نائل می‌شده

اجازه‌ی نوشتن نام واقعی یا نام متسعار و یا لقب خود را ذیل قطعاتی

که خوشنویسی می‌کرده با عباراتی چون **کتبه**، **سوده**، **مشقه** و...

می‌یافته است.

در این مرحله که در حقیقت به منزله‌ی پایان تحصیلات هنرجو

بوده، گاهی سندی مشابه اجازه‌نامه نیز تنظیم می‌شده و استاد با ذکر

شرایطی آن را به هنرجو اعطا می‌کرده است. در سندی به‌جامانده از

سال ۱۱۹۸ هـ / ۱۷۷۵ م. چنین آمده است:^{۲۰}

«به شرط آن که کلمه‌ی واحد را به دو بخش تقسیم نکند و بر

دو سطر ننویسد، همواره پس از ذکر نام شریف پیامبر اکرم عبارت

(صلی‌الله علیه و سلم) را بنویسد خود را با تکبر بالاتر از همتایان خود

قرار ندهد اجازه‌ی رقم‌زدن کتب را به وی اعطا کردم.» در چنین

شرایطی گاهی استاد لقبی را نیز به هنرجو اعطا می‌کرده است و یا

رقم خود را در زیرنوشته‌های او و برای تأییدش می‌نگاشته است.

چند مثال از دیگر شاعران:

دیبچه‌ی خوبی ورق روی منیرت

عنوان شگرفی رقم خط سیاهت

اوحدی مراغه‌ای

طرز آفرین بستم قلم را زدم بر نام شاهنشاه رقم را

نظامی

هم‌چنین باید گفت: عبده یا العبد اصطلاحی است که بیش‌تر

خوشنویسان در رقم خود به کار برده‌اند.

م - در این بیت از حافظ:

درون خلوت کروییان عالم قدس

صریر کلک تو باشد سماع روحانی

صریر از اصطلاحات خوشنویسی است و منظور از آن صدایی

است که هنگام رانده‌شدن قلم بر کاغذ به‌خصوص هنگام نوشته‌شدن

حروف کشیده ایجاد می‌شود. این صدا در کلاس‌های خوشنویسی که

چند نفر هم‌زمان با قلم نی می‌نویسند فضای خاصی ایجاد می‌کند و

حتا گاهی بعضی از اساتید با توجه به میزان امتداد **صریر** قلم

هنرجویان در مورد درستی یا نادرستی حروفی که آنان می‌نویسند

بدون دیدن خطشان اظهارنظر می‌کنند.

در گذشته برای دبیران دیوان قلم‌های محکم و در اصطلاح

گوشت‌دار انتخاب می‌کرده‌اند تا با ایجاد صدای بیش‌تر هنگام نوشتن

شکوه و حشمت آن‌ها و طبعاً دیوان شاه افزون‌تر شود. چنان که در

نوروزنامه چنین آمده است:^{۲۱}

«گفت آن قصب که با نیرو بود دبیران دیوان را شاید که قلم به

قوت رانند تا **صریر** آرد و نبشتن ایشان را حشمت بود.»

شاعران **صریر** قلم را در شعر معمولاً به نفخ صور اسرافیل،

نغمه‌ی آلات موسیقی و گاهی نیز آن را ناله‌ی قلم می‌خوانند.

مثال از دیگر شاعران:

بشنو ای گوش بر فسانه‌ی عشق

از **صریر قلم** ترانه‌ی عشق

بانگ صریر از قلم سحر کار

خاست که بسم‌الله دستی بیار

جامی - هفت اورنگ

صریر کلک تو را روزگار در تسخیر

مسیر تیغ تو را کاینات در فرمان

عبید زاکانی

عزّ او خواهد ز یزد مرغ از آن ساز و نوا

مدح او راند به کاغذ **کلک** از آن دارد **صریر**

سنایی

ن - در این بیت از حافظ:

گو دلم حق وفا با خط و خالت دارد

محترم‌دار در آن طره‌ی عنبر شکنش

میان طره و خط تناسب برقرار است، چرا که طره که مصطلحات خوشنویسی است. در بیش‌تر خطوط به‌خصوص قلم‌های شش‌گانه که در دوره‌ی حافظ کاملاً رایج بوده‌اند، ابتدای بعضی از حروف دارای زاییده‌ی کوتاه و تیزی به‌طرف پایین است که آن را در اصطلاح طره یا سرک و در زبان عربی ترویس می‌نامند. طره؛ نقش زلف حروف را دارد و در زیبایی آن‌ها در خطوط مختلف تأثیر بسزایی دارد. در خط تعلیق و دیوانی طره‌ی الف افراشته‌ی طاء؛ ابتدای کاف و لام در سمت چپ و در خطوط محقق، ریحان، ثلث، توقیع، اجازه و رقاع در سمت راست قرار دارد. در خط نستعلیق هیچ‌کدام از حروف با طره نوشته نمی‌شود. در خط نسخ فقط افراشته‌ی حروف طاء گاهی با طره نوشته می‌شود و بالاخره در خط شکسته‌نستعلیق فقط حرف الف آن هم زمانی که به حرف دیگری متصل شود با طره‌ی در سمت چپ می‌تواند نوشته شود.

چند مثال از دیگر شاعران:

تو را که طره‌ی مشکین و خط زنگاری ست

چه غم ز چهره‌ی زرد و سرشک گلناری ست

خواجو

ز مرز نگوش خط نو دمیده بسی دل را چو طره سر بریده
نظامی - خسرو و شیرین

س - در این بیت از حافظ:

دیشب به سیل اشک ره خواب می‌زدم

نقشی به یاد خط تو بر آب می‌زدم

استاد ارجمند آقای خرمشاهی در کتاب ارزشمند حافظ‌نامه با اشاره به ایهام در (نقش بر آب زدن) دو مفهوم برای آن بیان کرده‌اند: الف - تصویری از تو و به یاد خط تو بر آب (= اشک) ظاهر می‌گردد. ب - کار بی‌پوده می‌کردم.

شاید بتوان برای آن مفهوم سومی نیز در نظر گرفت و آن این که حافظ خواسته خطی را که از پایین آمدن اشک بر رخسارش ایجاد شده است به خط (= موی عذار) رخسار یار تشبیه کند و البته خطاطی کردن اشک بر صفحه‌ی رخسار تصویری است که در شعر دیگر شاعران نیز سابقه دارد. از جمله:

از اشک دیده بر ورق روی چون زرم

گویی مگر به سیم کشیدند باب‌ها

اوحدی مراغه‌ای

خطی که مردم چشمم نوشته است چو آب

محقق است که او ابن‌مقله‌ی ثانی است

خواجو

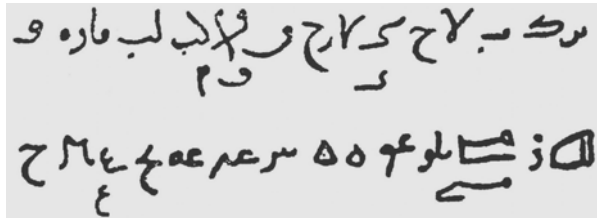
ف - در بیت:

اگر باور نمی‌داری رو از صورتگر چین‌پرس

که مانی نسخه می‌خواهد ز نوک کلک مشکینم

حافظ

قابل ذکر است که مانوی‌ها دارای خطی بوده‌اند که کتاب‌های خود را با آن می‌نوشته‌اند که استاد راهجیری خوشنویس و محقق نامدار معاصر نمونه‌یی از خط مانی را در کتاب ارزشمند تاریخ مختصر خط و سیر خوشنویسی در ایران آورده است.



نمونه‌ی خط مانی ۲۲

اوحدی مراغه‌ای نیز در یکی از ابیات خود به این خط اشاره کرده است و می‌گوید:

ای به تحریر دفتر و نامه آزری نقش و مانوی خامه

اوحدی مراغه‌ای - جام‌جم

پی‌نوشت‌ها

- ۱- ابیات از دیوان حافظ تصحیح قزوینی و غنی نقل شده است.
- ۲- آن ماری شیمیل، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، ترجمه‌ی دکتر اسدالله آزاد، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۸، ص ۹۹، به نقل از تحفه‌ی خطاطین مستقیم‌زاده سلیمان سعدالدین افندی، استانبول، ۱۹۲۸، ص ۲۲۵.
- ۳- حبیب‌الله فضائی، تعلیم خط، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۶۲، ص ۲۹۵.
- ۴- غلام‌حسین امیرخانی، آداب‌الخط امیرخانی، انتشارات انجمن خوشنویسان ایران، تهران، ۱۳۷۱، ص ۵.
- ۵- ابوالعباس احمد بن علی القلقشنندی، صحیح‌الاعشی فی کتابه الانشاء، قاهره، ۱۹۱۳، ص ۱۳۲.
- ۶- مجموع پریشانی، دفتر اول مجموعه‌ی قطعات نستعلیق و نسخ و شکسته، به‌کوشش علی حسوری، انتشارات جانزاده، تهران، ۱۳۶۲، ص ۹۶.
- ۷- وضع خط محقق و ریحان را هم به ابن مقله و هم به ابن بواب نسبت داده‌اند.
- ۸- شماره یا تشمیر در اصطلاح خوشنویسی باریک و منعطف گردانیدن آخر حروف است.
- ۹- فرهنگ نفیسی، ذیل مدخل «خط جلی» و «خط ریحان»، ص ۱۳۷۷.
- ۱۰- غیاث‌الدین محمد بن جلال‌الدین بن شرف‌الدین رامپوری، غیاث‌اللغات، به‌کوشش منصور ثروت، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۵، ص ۳۳۶.
- ۱۱- حبیب‌الله فضائی، تعلیم خط، ص ۲۹۱.
- ۱۲- ابن بواب علی بن هلال خوشنویس بزرگ قرن چهارم هجری، ششمین نمایشگاه قرآن کریم، همایش بزرگداشت ابن بواب، ص ۳۴.
- ۱۳- علی راهجیری، تاریخ مختصر خط و سیر خوشنویسی در ایران، کتابخانه‌ی مرکزی تهران، ۱۳۴۹، ص ۱۱۳.
- ۱۴- همان، ص ۱۱۶.
- ۱۵- خزینه‌الاشراف، مجموعه‌ای از خطاطی امروز افغانستان به‌قلم عزیزالدین وکیلی خطاط هفت قلمی، انتشارات کتاب فرزانه، چاپ دوم، ۱۳۶۲، ص ۶۳.
- ۱۶- همان، ص ۶۲.
- ۱۷- حبیب‌الله فضائی، تعلیم خط، ص ۶۱.
- ۱۸- آن ماری شیمیل، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، ص ۸۰.
- ۱۹- خواجه میرعلی هروی، مدادالخطوط، انتشارات یساولی، ثبت‌شده به شماره ۱۱۶۸ مورخ ۳/۹/۳۵، کتابخانه‌ی ملی، فصل چهارم در ساختن زنگار.
- ۲۰- آن ماری شیل، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، ص ۷۹.
- ۲۱- لغت‌نامه‌ی دهخدا، ذیل مدخل صریر.
- ۲۲- علی راهجیری، تاریخ مختصر خط و سیر خوشنویسی در ایران، ص ۲۶.